

بازتاب نظریه های نشانه شناسی در خوانش معماری و شهر

علیرضا غفاری* - استادیار گروه معماری، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

محمد منصور فلامکی - استاد دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

Semiotic theories of architecture and city reflected in readings

Abstract

What we know today as architectural semiotics sub-field of semiotics and art in its shadow, no independent representation. Based on the theoretical concepts of architecture and alignment with the ideology of linguistic and semiotic need to explain the evident architectural semiotics explains. In this paper we analyzed the relationship between architecture and semiotics. Each social context (such as architecture), which carries a set of messages and relationships within the text by codes transmitted to the audience. These symptoms are encoded by the creator and reader (audience) on the basis of the social contract, subjective perception and point of view to decode the meaning of the text (Architecture) tries. Structuralist and post-structuralist semiotics provides two views. Signs to direct structural relationship between text and meaning are known. In contrast, post-structuralist semioticians, indirect relationship between text and knowledge and to explore the implication of their relations; in this paper, theories of semiotics, reading Architecture (text) from two perspectives about the analogy has been mentioned. The main focus of research on the meaning of architectural representation, which is composed of multiple layers of meaning, is. Meaning layers of float design and metaphorically, ironically, reflections and so on are intimate. Semiotic reading of architecture, to reproduce plan is based on the relationship between film and audience perceptions are based.

Key words: reading, architecture, architectural semiotics, text, semiotic, structuralist, post-structuralist semiotics.

چکیده

آنچه را تا به امروز به عنوان نشانه شناسی معماری می شناسیم، زیرشاخه ای از نشانه شناسی هنر و در سایه آن، فاقد نمودی مستقل است. باتوجه به مفاهیم نظری معماری و همسویی با اندیشه های زبان شناختی و نشانه شناسی، نیاز به تشریح و تبیین نشانه شناسی معماری مشهود است. در این مقاله ارتباط میان معماری و نشانه شناسی مورد تحلیل قرار می گیرد. هر متن اجتماعی (مانند معماری) حامل مجموعه ای از پیام ها بوده که به وسیله رمزگان ها و روابط درون متنی به مخاطب منتقل می شوند. این نشانه ها توسط خالق کد گذاری شده و خواننده (مخاطب) بر پایه قراردادهای اجتماعی، برداشت های ذهنی و زاویه نگاه خود به رمزگشایی و معنا سازی برای متن (معماری) تلاش می کند. نشانه شناسی به دو دیدگاه ساختارگرا و پسا ساختارگرا می پردازد. نشانه شناسان ساختارگرا رابطه متن و معنا را مستقیم دانسته و در مقابل نشانه شناسان پسا ساختارگرا، رابطه متن و معنا را غیر مستقیم دانسته و به جستجوی مفهوم ضمنی و روابط بینا متنی می پردازند. در این مقاله پس از بررسی نظریات نشانه شناسان، خوانش معماری (متن) از دو دیدگاه ذکر شده مورد قیاس قرار گرفته است. تمرکز اصلی تحقیق بر باز نمود معنای معماری، که از لایه های متعدد معنا تشکیل شده است، می باشد. معانی در لایه های طرح شناورند و به صورت استعاری، کنایی، بازتابی و غیره ناکارآمد هستند. نشانه شناسی معماری، به دنبال باز تولید طرح بر اساس ارتباط بین لایه ها و بر اساس برداشت مخاطب می باشد.

واژگان کلیدی: خوانش معماری، نشانه شناسی معماری، متن، نشانه شناسی ساختارگرا، نشانه شناسی پسا ساختارگرا.

۱. مقدمه

امروزه نظریه‌های متفاوت و متعددی در زمینه شکل‌گیری محصول و خوانش معماری وجود دارند. در سه دهه اخیر علوم انسانی مبنای شکل‌دهی این تئوریها بوده‌اند. در دهه هفتاد میلادی مطالعات زبان‌شناسیک در حوزه هنر جای خود را پیدا کرده و در پی آن «نشانه‌شناسی»^۱ به عنوان شاخه‌ای از زبان‌شناسی، در نقد و «خوانش متن هنری»^۲ مورد استفاده قرار گرفت. معماری مانند یک متن، در برابر مخاطب دنیایی از اندیشه‌ها و ارزش‌های طرح را تداعی می‌کند و واجد زبانی در پس پرده خویش بوده که به مخاطب به گفتگو می‌نشیند. این برداشت و بیان معنا از معماری از ابتدای تاریخ هنر و زایش معماری به صورت‌هایی که در برگزیده ایده‌های دینی، اقتباس از اسطوره‌ها، طبیعت و عناصر طبیعی در قالب شکل‌ها، نمادها، نشانه‌ها و صورت‌هایی که حامل اندیشه‌ها و تفکراتی خاص بود، ظهور کرد.

تولید هر «متن» مبتنی بر زمینه و بستر اندیشه و فرهنگ جامعه مصدر خویش است. «هر متن حامل پیامی مستقل از فرستنده و گیرنده آن در برگزیده مجموعه‌ای از نشانه‌هاست. این نشانه‌ها، توسط مؤلف رمزگذاری شده و مخاطب آنها را با استناد به قرار دادها و به کمک روابط رسانه‌ای رمزگشایی می‌کند» (Chandler, ۲۰۰۹: ۳). هر متن (مانند معماری) محصول یک فرآیند تولیدی است که از برهم‌کنش ایده‌ها، ارزش‌ها، حوزه‌ها و شناخت محیطی مؤلف شکل گرفته و مخاطب در زمان روبه‌رو شدن با آن سعی دارد پیام متن را دریافت نموده و با توجه به آموزه‌های ذهنی خود به پردازش و خوانش متن (معماری) می‌پردازد. بنابراین علم نشانه‌شناسی سعی در بازتابانیدن اندیشه‌های مطرح شده در بین‌سطور هر متن هنری (مانند معماری) دارد و با استناد به این روش و نظریات نشانه‌شناسی معماری نیز مورد خوانش قرار می‌گیرد.

۲. چارچوب نظری

آنچه می‌خواهیم به قید نظم به میان آوریم تا راهنما و سازنده و پایه این پژوهش باشد، در ادبیات مکتوب معماری امروز ما نسبتاً ناشناخته مانده است. برخی از پژوهشگران مدرن معماری به اشاره بیان کرده‌اند که: معماری را نمی‌توان بی‌اتکاء بر محیط فراگیرش بازشناخت. برخی نظریه پردازان دانش نشانه‌شناسی همچون «چارلز سندرز پیرس»^۳ معتقدند که «تنها در پرتو نشانه‌هاست که می‌توان اندیشید و تفکر بدون نشانه امکان پذیر نمی‌باشد» (ضمیران، ۱۳۸۳: ۴). بدین منظور جهت بررسی خوانش معماری بایستی توجه و تعمق بیشتری به مفاهیم و بن‌مایه‌های نشانه‌شناسی داشت. از این میان با تحلیل و کمک از نظریات و مضامین زبان‌شناسی و نشانه‌شناسان میتوان از این دانش به معماری به عنوان «یک متن فضایی درون گستره چندگانه محیط اجتماعی» پیرامونش نگاه کرد.

۳. پیشینه پژوهش

جستجو برای شناخت هویت‌های محلی آدیان بر پایه زبان‌شناسی و زبان‌شان، توسط دانشمندانی صورت می‌گیرد و آثار ماندگار بر جای می‌گذارد. در جایی «زبان» روحیه ملتها را می‌خواهد به نمایش بگذارد و در جایی دیگر، پیوند میان «زبان»، «فکر» و «حقیقت» مطرح می‌شود. دانشمندانی مانند «تیریر»^۴ مباحث مربوط به پیوند میان زبان‌شناسی و مجموعه وقایع اجتماعی خاصی که بر رفتار محیطی انسانها اثر گذاری داشته‌اند را به میان آوردند. ۵. زبان‌شناسی در دهه شصت میلادی به وسیله دانشمندانی چون «چامسکی»^۶ با ارائه نظریه «دستور زبان زایشی»^۷ وارد مرحله تازه‌ای شد. او با بازنگری نحو- بنیاد زبان را مفهوم ذاتی دانست که از زمان تولد با انسان می‌باشد. او به صورت عقلانی به زبان می‌نگرد. در دهه هفتاد زبان‌شناسی به سمت معنا‌شناسی گفتمان - بنیاد سوق می‌یابد. مبنای اصلی، نگرش مطالعات جامعه‌شناسی و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۵ زمستان ۹۵
No.45 Winter 2016

۳۴۰

با بازشناسی واحدهای تشکیل دهنده‌ای یک نظام نشانه‌ای و تعیین روابط بین این واحدها (روابط معنایی و منطقی) سروکار دارد» (سجودی، ۱۳۸۲، ص ۷۰). «نشانه‌شناسی پسا ساختارگرا» ۱۲ سعی بر نشان دادن ویژگی‌های در متن (فضای معماری) دارد که دلالت واحدی ندارند و منطق‌هایی را که به سادگی بدیهی فرض شده‌اند به چالش می‌کشد. در واقع در این روش با سازکار و اساسی ۱۳ به بازخوانی مفاهیم پرداخته می‌شود. در و اساسی، رابطه تقابلی نشانه‌های بنا به چالش کشیده می‌شود و همچنین متن (فضای معماری) در زمینه معاصر آن دوباره تعریف می‌شود.

۵. نشانه‌شناسی روشی نو برای خوانش

در هر کنش و ارتباط اجتماعی، در حال تولید و باز آفرینی متن هستیم. معماری نیز به عنوان یک دانش میان رشته‌ای در فرآیند ارتباط میان انسانهای جامعه، خود را بیان می‌کند. ۱۴ هر متن اجتماعی (مانند معماری) حامل پیام و یا مجموعه‌ای از «رمزگان» ۱۵ بوده که به وسیله روابط دلالتی و روابط «درون متنی» ۱۶ به مخاطب انتقال داده می‌شوند. مخاطب نیز با توجه به شبکه شکل دهنده متن و لایه‌ها و روابط درون متنی و از طریق قرار دادهای اجتماعی، فرهنگی، برداشت‌های ذهنی، نوع و زاویه نگاه خود به دریافت، رمز گشایی ۱۷ و معنا سازی برای متن همت می‌گمارد. در نتیجه دانشی به نام نشانه‌شناسی به منظور شناخت، تفسیر و یافتن معنا در متن به میان می‌آید. یکی از عام‌ترین تعریف‌ها از «امبرتو اکو» است که می‌گوید: «نشانه‌شناسی با هر چیزی که بتواند یک نشانه قلمداد شود سروکار دارد» (Eco, ۱۹۷۶: ۷).

«نشانه‌شناسی نه فقط شامل مطالعه چیزهایی است که ما در مکالمات روزمره نشانه می‌نامیم، بلکه مطالعه هر چیزی است که بر چیز دیگری اشاره دارد» (Chandler, ۲۰۰۹: ۲۰). نشانه‌شناسی در جستجوی معنا از طریق کشف لایه‌های عمیق‌تر متن می‌باشد (Martin & Ringham, ۲۰۰۰).

توجه عمیق به بافتار فرهنگی پیرامون زبان است. در حقیقت از بافت به عنوان مهمترین رکن در معناشناسی یاد می‌شود و جمله، واحدی مستقل نبوده و همیشه در متن بررسی می‌شود. زبان‌شناسان مدرن همچون «ریچارد ای. هودسن» در کتاب «زبان شناخت اجتماعی» روی دریافت مفهوم و معنایی زبان کار کرده‌اند. کتابهای «نشانه‌شناسی و معماری» ۸ برای این عقیده‌اند که: معماری دارای معنای ذاتی و درونی نیست و بر اساس قراردادهای اجتماعی و فرهنگی معنا می‌شود. در واقع نشانه‌ها را نمی‌توانیم بی تأثیری از محوطه‌شان بازشناسیم. بر این اساس نشانه‌شناسی معماری، مقوله‌ای نیست که بتواند یک سویه، یعنی تنها به نیت و خواسته‌شناسنده، شناخته شود. «رولان بارت» ۹ و «امبرتو اکو» ۱۰ نشانه‌شناسان مطرحی هستند که به نظریه نشانه‌شناسی در معماری به این عقیده‌اند که معماری، متنی لایه‌گون و دارای پیوندهای اصیل با بافتار اجتماعی و فرهنگی می‌باشد.

۴. روش تحقیق

نشانه‌شناسی، پیش از هر چیز، روشی برای خواندن متن (کلامی، بصری، تجسمی، شنیداری، و...) محسوب می‌شود. این پژوهش با دیدگاه تحلیلی نسبت به مفاهیم زبان شناسیک و نشانه‌شناسیک می‌نگرد و با استناد به اطلاعات و نظریات برآمده از تحلیل‌ها سعی دارد که از نشانه‌شناسی به مثابه یک علم و روشی برای خوانش معماری بنگرد. در نتیجه در این مقاله، ابتدا با روش توصیفی مفاهیم و نظریات مربوطه به اندیشه‌های نشانه‌شناسی برخورد می‌شود و سپس با رویکردی تحلیلی و تطبیقی میان نظریات ارتباط برقرار کرده که بتواند به کمک این روش (نشانه‌شناسی) به خوانش متن از دو گونه مشخص ساختارگرا و پسا ساختارگرا و در نهایت خوانش معماری بپردازد. «نشانه‌شناسی ساختارگرا» ۱۱ رابطه بین نشانه‌های متن (معماری) را بررسی می‌کند و منطق‌های ساختاری آن را به دست می‌آورد. «تحلیل نشانه‌شناسی ساختارگرایانه

هر متن متشکل از تعدادی نشانه بوده و هر نشانه واجد دو رابطه «درون نشانه ای» و «برون نشانه ای» می باشند. برداشت سوسور از معنای نشانه ها درون یک نظام ساختاری و مبتنی بر رابطه است. اولویت به روابط نشانه ها درون یک نظام داده می شود تا به چیزهای خارج. «نشانه ها در اصل به یکدیگر ارجاع می دهند. درون نظام همه چیز وابسته به روابط است» (Saussure, ۱۹۸۳: ۱۲۱). «هیچ نشانه ای قائم بر خود معنی نمی یابد، بلکه ارزش آن ناشی از رابطه آن با نشانه های دیگر است. هم دال و هم مدلول مفاهیمی تقابلی و مبتنی بر جایگاه و رابطه شان با دیگر اجزای نظام هستند» (Saussure, ۱۹۸۳: ۱۱۸). سوسور به مفهومی تحت عنوان «ارزش» نشانه اشاره میکند. «ارزش هر نشانه به روابط آن نشانه با دیگر نشانه های درون نظام وابسته است. نشانه فاقد ارزش مطلق مستقل از این بافت است» (Saussure, ۱۹۸۳: ۸۰). سوسور بین آنچه در درون نشانه اتفاق می افتد، یعنی دلالت و مفهوم ارزش (رابطه نشانه ها با یکدیگر درون نظام) تمایز قائل می شود. او بر افتراق بین نشانه ها تأکید کرده است.

۱-۲-۵. نشانه از دیدگاه چارلز سندرس پیرس
پیرس الگویی سه وجهی برای نشانه معرفی میکند: نمود ۲۴، تفسیر ۲۵، موضوع ۲۶. نمود، صورتی است که نشانه به خود میگیرد و وظیفه بازنمایی را بر عهده دارد و قابل تفسیر است. الزاماً مادی نیست. تفسیر نه تفسیر گر بلکه معنایی است که از نشانه حاصل می شود و موضوع (ابژه)

۱۱۸). نشانه شناسی یکی از روش های تحلیل متن است. نشانه شناسی به دنبال متون در حکم کلیتهای ساختمند و در جستجوی معناهای پنهان و ضمنی است (Chandler, ۲۰۰۹: ۲۰). دو نگرش ساختارگرایی و پساساختارگرایی در نشانه شناسی مطرح هستند. نشانه شناسان ساختارگرا چون (سوسور، یاکوبسن، اشتراوس) با نگرش زبان شناسانه رابطه متن و معنایش را مستقیم دانسته و به رمز گشایی و کشف رمزگان متن می پردازند. نشانه شناسان پساساختارگرا (پیرس، اکو، بارت، دریدا) رابطه بین متن و معنا را غیرمستقیم دانسته و به جنبه های متکثر، لایه های درونی متن، بینامتنیت ۱۸ و فرآیند تأخیری معنا می پردازند.

۱-۵. بررسی نظریات نشانه شناسان در نشانه شناسی متن

۱-۵-۱. نشانه شناسی فردیناند سوسور ۱۹
سوسور الگویی «دو وجهی» یا «دوتایی» را برای نشان دادن نشانه پیشنهاد میکند. از دید او نشانه تشکیل شده است: «دال» ۲۰ (تصور صوتی) و «مدلول» ۲۱ مفهوم می که دال به آن «دالت» ۲۲ می کند. از دید سوسور «نشانه زبانی» نه یک شیء را به یک نام، بلکه یک مفهوم را به یک تصور صوتی پیوند می دهد. نشانه حاصل انطباق این دو عنصر یعنی دال و مدلول است. دال بدون مدلول یا به عبارتی دالی که به هیچ مفهومی دلالت نکند و مدلولی که هیچ صورتی (دالی) برای دلالت آن وجود نداشته باشد، امکان ندارد و هر دو با هم قابل دریافت و شناخت هستند (شکل ۱). سوسور معتقد است که

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۵ زمستان ۹۵
No.45 Winter 2016

۳۴۲



شکل ۱. نشانه و روابط درونی آن از نظر سوسور؛ مأخذ: چندلر، ۱۳۸۷، ص ۴۰.

موضوع مربع



نموده - بازنموده

تفسیر - تصور صوتی

شکل ۲. مثلث نشانه شناختی پیرس؛ مأخذ: چندلر، ۱۳۸۷، ص ۴۵.

هر چیزی که امکان تفکر درباره آن وجود دارد که نشانه به آن ارجاع می دهد. در این رابطه سه گانه، نشانه به جای موضوع می نشیند و توسط مفسر مورد تفسیر قرار می گیرد (شکل ۲). پیرس تعامل میان این سه گونه را فرآیند «نشانگی» ۲۷ می نامد. پیرس در جایی می افزاید: «معنای یک باز نمود ممکن است چیزی نباشد جز یک باز نمود دیگر». تفسیر اولیه میتواند دوباره تفسیر شود. مدلولی که خودش در نقش یک دال ظاهر می شود. فرآیند تفسیر میتواند تا بی-نهایت ادامه یابد و این فرآیند مبنای نشانه شناسی پسا ساختارگرا می شود.

۱-۳. نشانه شناسی امبر تو اکو

اکو بین «ارتباط» و «دلالیت» تمایز قائل می شود. از نگاه او نشانه شناسی ارتباط و نشانه شناسی دلالیت با هم متفاوتند. اکو فرآیند ارتباطی را انتقال سیگنالی از منبعی، از طریق یک فرستنده و به واسطه یک مجرا، به مقصد مشخص می داند. اما فرآیند دلالتی زمانی اتفاق می افتد که مقصد، انسان باشد. به اعتقاد اکو چنین فرآیندی ممکن نیست مگر به واسطه وجود یک دستگاه «رمزگان» تا جایی که هستی های حاضر رابه واحدهای غایب می پیوندند، در واقع یک نظام دلالیت است. اکو رمزگان ها رابه چهار پدیده متفاوت بیان میکند:

الف) مجموعه ای از سیگنالها که قوانین ترکیب پذیری درونی بر آنها حاکم است. اینها میتواند پیام های (مفاهیم) متفاوتی رادباره چیزهای متفاوتی ارسال کنند ومجموعه متفاوتی از واکنش های مختلف رابرا نگیرند. این مجموعه را «نظام نحوی» نامید.

ب) مجموعه ای از حالات متفاوت که به مجموعه ای از پیام ها (محتواهای) ارتباطی معنادار تبدیل می شوند. این مجموعه پیام ها، «نظام معنایی» را به وجود می آورند.

ج) مجموعه ای واکنش های رفتاری محتمل از سوی مخاطب که مستقل از نظام (ب) هستند. اصطلاحاً «نظام رفتاری» نامیده می شوند.

د) قانونی که عناصری از نظام (الف) با عنصری از نظام (ب) رابه هم می پیوندند. در حقیقت رابطه بین سه نظام دیگر که «نظام قانونی» نامیده می شود. ۲۸

اکو پیوند میان دال ومدلول را از دیدگاه ناظر و مخاطب نقش نشانه ای می نامد. «وقتی رمزگان، عناصر نظام انتقال دهنده رابه عناصر انتقال داده شده تخصیص می دهد، اولی به بیان دومی و دومی به بیان اولی بدل می شود. نقش نشانه ای زمانی پدید می آید که بیانی با محتوایی مرتبط می شود

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۵ زمستان ۹۵
No.45 winter 2016

۳۴۳

که در حقیقت هر دو عنصر با هم پیوند می‌خورند» (ECO, ۱۹۷۹: ۵۷). بهتر است بگوییم نقش نشانه‌های زمانی تحقق می‌یابد که دو نقشگر بیان و محتوا با هم به نوعی رابطه همبسته دو سویه دست یابند.

۶. روش نشانه‌شناسی در تأویل و خوانش معماری

نشانه‌شناسی نوعی دانش در جهت درک و دریافت پدیده‌های جهان است که از طریق خوانش و قرائت نشانه‌های موجود در هر پدیده، حاصل می‌شود. «نشانه‌شناسی تمامی خوانش‌های برآمده از رمزگشایی، پدیده‌ها را در برمیگیرد» (Johansen, et al, ۲۰۰۲: ۳). وجه تمایز نشانه‌شناسی معماری از سایر متن‌ها، در ماهیت فضایی بودن معماری است. معماری، یک متن لایه‌گون فضایی است و دارای مضامین و معناهای متعدد در درون رمزگان خود می‌باشد. ۲۹.

نشانه‌شناسی معماری، فضا را با توجه به روابط اجتماعی و فرهنگی - مدنی به عنوان یک متن بر خاسته از آن، مورد خوانش قرار می‌دهد. مخاطب در روبرو شدن با فضای معماری، با توجه به تصاویر و برداشت‌های ذهنی خود از فضا و رمزگان، فضا را مورد بازتولید قرار می‌دهد. مخاطب با توجه به جایگاه اجتماعی و زمینه‌های فرهنگی خود و بستر فرهنگی طرح معماری به معناسازی برای طرح می‌پردازد. نشانه‌شناسی معماری آنگاه که به فضایی غنی شده می‌پردازد به موجودیت‌های گوناگون زیر می‌نگرد: ۳۰.

۱. موجودیت‌های ابعادی - تناسباتی (جایی که ماده از طریق بر بیرونی به بازی معماری گرفته می‌شود)؛

۲. موجودیت‌های شکلی - تصویری؛

۳. موجودیت‌های اساطیری (جایی که نمادهایی که موضعی، اقلیمی، اندیشه‌ای هستند به میدان می‌آیند) (فلامکی، ۱۳۹۱، ص ۳۸۳).

۷. نگاه ساختارگرا به تأویل متن

ساختارگرایی یک روش جهت بررسی و خوانش

پدیده‌های اجتماعی است که همان طور که گفته شد افرادی چون سوسو، یاکوبسن، اشتراوس در شکل‌گیری این روش مؤثر بوده‌اند. «در خوانش ساختارگرا از متن (معماری) باید در یک لحظه هم ساختار و قواعد متن را بشناسیم و هم نشانه‌ها را دریابیم. در واقع دلالت و معنا را همزمان برداشت کنیم» (احمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۷). در این نگرش هر متن به صورت یک نظام بوده و از طریق پیروی الگویی ساختاری شکل گرفته است و نه محتواهای معنایی. بنابراین شکل عناصر یک متن و رابطه بین آنها با یکدیگر مهمتر از محتوای خرده ساختارها و یا معنای متن می‌باشد. ۳۱.

پایه‌گذاران اصلی ساختارگرایی، مبنای اندیشه خود را بر روی برتری شکل بر محتوا انگاشته‌اند. در خوانش ساختارگرای هر متن، (به مانند فضای معماری) موارد زیر مورد توجه قرار می‌گیرد:

۱. روابط بین عناصر هر متن، سازنده یک ساختار کلی نظام مند است و نظام بنیادین متن را تشکیل می‌دهد.

۲. هر متن دارای رمزگانی در درون خویش است که ساختار آن به این رمزگان انسجام می‌بخشد. ۳۲.

۳. مخاطب روابط و قوانین درون ساختاری متن را کشف کرده و بر اساس آن، متن را بازخوانی میکند.

۴. پیام هر متن به وسیله رمزگشایی این رمزگان به مخاطبان منتقل می‌شود.

۷-۱. خوانش معماری در نشانه‌شناسی ساختارگرا

نشانه‌شناسی ساختارگرا در معماری رابطه بین نشانه‌های فضای معماری را بررسی می‌کند و منطق‌های ساختاری آن را به دست می‌آورد. در رویکرد ساختارگرا به معماری، بنا متنی است که تنها بر اساس مطالعه ساختار و قواعد زبانی شکل دهنده‌اش میتوان آن را تحلیل کرد. هر جزء معماری نشانه‌ای است که تنها در ارتباط با کل زبان قابل فهم است و برعکس. بنابراین در این نگرش، هر طرح معماری از مجموعه‌ای از نشانه‌ها تشکیل شده که

دست یافته و به معناسازی متن می پردازد. دیدگاه پسا ساختارگرا (اندیشمندانی چون هایدگر، کریستوا، دریدا، بارت)، هر متن را در ارتباط با سایر متون قابل شناخت و بررسی قرار می دهد و روابط میان متنی را مطرح می نماید به طوری که مخاطب در مواجهه با هر متن به لایه های متعددی برای خوانش بر می خورد. «رولان بارت» معتقد است یک متن حاصل نیروهای اجتماعی- فرهنگی و تاریخی مخصوصی است که با دقت در بافتارش و رابطه آن با سایر متون می توان به گوهر آن دست یافت (ضمیران، ۱۳۸۲، ص ۱۷۴). «دریدا» معتقد است به منظور دست یابی به معنای متن باید ناخودآگاه متن را بشکافیم (ضمیران، ۱۳۷۷، ص ۳۹۵). و هیچ متنی مستقل از سایر متون وجود ندارد و هر متن تداعی کننده متون پیشین و درآمدی به سوی متون دیگر است. در واقع متن یک ساختار چند وجهی دارد که از هماهنگی «اندیشه ها و تصورات»، «عناصر صوری» و «روابط بین انسانی» تشکیل شده است. هر متن با توجه به جایگاه خود در بافتار پیرامونی معنا می یابد. هر متن به دلیل وجود روابط بینامتنی با سایر متون در ارتباط بوده و فرایند معناسازی متن از همین طریق صورت می پذیرد.

۸-۱. خوانش معماری در نشانه شناسی

پسا ساختارگرا نشانه شناسی پسا ساختارگرا سعی بر نشان دادن ویژگی هایی در متن دارد که دلالت واحدی ندارند و منطق هایی را که به سادگی بدیهی فرض شده اند به چالش میکشد. «ژاک دریدا» ۳۴ در مصاحبه ای با «ژولیا کریستوا» ۳۵ با قبول اینکه نمیتوان مفاهیمی چون «نشانه» و «ساختار» رابه دور انداخت کار ضروری را چنین معرفی می کند: بی شک دگرگون ساختن مفاهیم از درون نشانه شناسی، جابجا کردنشان، به کارگرفتنشان علیه پیش انگاره هایشان، باز انگاریشان در زنجیره های دیگر و کم کم، تغییر دادن حوزه کاری و از این راه، تولید پیکربندی های نو، کارهایی ضروری ترند (حقیقی، ۱۳۷۴، ص ۲۸۱). دریدا نیز

هر نشانه دارای دو سطح اصلی است: دال و مدلول. آنچه که از اثر معماری در مرحله اول یافت می شود عناصر درگیر در آن است که به تعبیر «سوسور» با گزینش جانشینی، به صورت عناصر همنشین و در کنار یکدیگر معماری را به صورت پیکره ای واحد به وجود می آورند. «دال» کالبد هر طرح و «مدلول» به مفهوم آن طرح دلالت میکند. در واقع ارتباط و تقابل بین فرم و محتوا مطرح می شود. به تعبیر «پیرس» ارتباط بین دال (عناصر معماری، شکل و هر آنچه که به کالبد معماری معطوف می شود) و مدلول (روح، مفاهیم، معنا و ارزش های حامل هر اثر معماری) کاملاً قراردادی و مربوط به فرهنگ جامعه مصدر اثر معماری است. به بیان دیگر نشانه ها در ارتباط با روابط فرهنگی و مناسبات انسانها بررسی می شوند. «نشانه شناسی چیزها و کنش های درون یک فرهنگ را نشانه می پندارد و از این راه در صدد است تا قوانین و مقرراتی که اعضای آن فرهنگ، خودآگاه یا ناخودآگاه پذیرفته و به آن معنی داده اند، را تشخیص دهد (Culler, 2001: 35). به تعبیر «رولان بارت»، معماری به میانجی تازه ای برای جنبه های التزامی فرهنگ بدل می شود. ۳۳ به بیان دیگر، نگرش ساختارگرا به معماری، ابتدا به جستجوی نشانه هایی از متن معماری پرداخته و سپس در برابر هر نشانه، (دال) مفهوم و معنایی خاص (مدلول) را در متون نظری آن بر میگزیند. در این نگرش طرح معماری تنها یک تفسیر دارد و راه برای خوانش های متعدد آن بسته است و پس برای خوانش لایه های ضمنی و معماری باید از رویکرد دیگری به نام پسا ساختارگرا نیز بهره گرفت.

۸. نگاه پسا ساختارگرایی به تاویل متن

در این نگرش، اندیشه های ساختار محور مورد چالش قرار می گیرد و متن به قلمرویی جهت بازی معانی بدل می شود. در واقع متن مفهومی چند لایه است که مخاطب با توجه به زمان خوانش، جایگاه اجتماعی خود، ذهن خود، چگونگی سنجش و دستیابی با نشانه های درونی به دریافت معنا

کشف ساحت غیبی نشانه را در جهت تدویل هر پدیده تلاطم می‌داند. به منظور تأویل هر نشانه نیاز به دستیابی به معیارهای زیباشناختی و معناشناختی و کارکردی موجود در مکان - زمان هر طرح معماری اجتناب ناپذیر است. طراح هر طرح و متن معماری را با توجه به قراردادهای و در حیطه ادبیات جامعه خود رمزگذاری می‌کند. مخاطب با ژرف نگری در لایه‌های متعدد طرح (لایه‌های کارکردی، اقتصادی، زیباشناختی، اجتماعی - فرهنگی و لایه هرمنوتیکی) و دریافت روابط به معنا سازی برای آن می‌پردازد. لایه هرمنوتیکی معماری از طریق رمزگان موجود در طرح و با توجه به عمق و سطح دریافت، معنای طرح را تشکیل می‌دهد. هر کدام از لایه‌ها و از جمله لایه هرمنوتیکی خود از زیر لایه‌های متعدد تشکیل شده و معنا از هر زیر لایه به لایه دیگری در جریان بوده و به طور غیرقطعی و سیال در حال جوشش است. پس خوانش معماری یعنی توجه به لایه‌های شاکله طرح و معنا سازی بر اساس لایه‌های همنشین که معنا همواره به تعویق می‌افتد. معنا همواره در غیاب نشانه وجود داشته و در پیوستاری از دالها پراکنده است و به صورت تعویقی و سیال از مخاطب فرار کرده و مخاطب در جستجوی آن در تلاش است.

۹. نتیجه گیری و جمع‌بندی

در آنچه ذکر شد، پس از بررسی آراء نظریات نشانه شناسان و زبان شناسان، مفاهیمی چون؛ متن، متن معماری، نشانه شناسی، تأویل و خوانش را با یکدیگر نزدیک کرده و سپس به آزمون رویکردها در خوانش معماری پرداختیم. هر طرح معماری به عنوان یک متن انگاشته می‌شود که مخاطب سعی در ساختن معنا و تأویل آن دارد. نشانه شناسی پیش از هر چیز، روشی برای خواندن متن (کلامی، بصری، تجسمی، شنیداری و ...) محسوب می‌شود. در حقیقت نشانه شناسی روشی است که با استناد به فرآیند دلالتی به تأویل و خوانش متن می‌پردازد. به بیان دیگر، در اینجا هر طرح معماری را مانند یک متن انگاشته،

که با مخاطب به گفتگو می‌نشیند. مخاطب نیز به منظور برقراری ارتباط با معماری به دنبال خوانش متن و کشف معنا است. در نگرش ساختارگرا متن به عنوان جزئی از بافت انگاشته می‌شود به طوری که بافت جایگاهی کلان داشته و متن عضوی از مجموعه بوده و بافت به صورت بسته و زمینه برای خوانش متن مطرح است. در نگرش ساختارگرا، طرح معماری مانند زبان از همنشینی اجزای مختلف شکل گرفته و عناصر طرح مانند کلمات ضمن داشتن ارزشها و نقشهای جداگانه یک مفهوم کلی را به مخاطب انتقال داده و مخاطب به دنبال کشف آن مضامین است. اما در نگرش پساساختارگرا، ماهیت متن در وجود بافت تحقق یافته و بافت به طور مستمر متن را می‌آفریند. یعنی بافت ساختاریست که از چندین متن شکل یافته و معنا و مفهوم هر متن با توجه به جایگاه آن در بافت و رابطه آن با سایر متن‌ها قابل دریافت است. در این نگرش، تأویلگر با ژرف نگری و غور در لایه‌های متعدد طرح و دریافت روابط متن گونه طرح به معنا سازی برای آن می‌پردازد. به بیان دیگر در برداشت ساختارگرا، مخاطب به دنبال کشف معنای اصیل متن بوده در حالی که در نگرش پساساختارگرا، تأویلگر معتقد به معنای سیال و معنا سازی متن است. در جدول زیر طرح معماری در دو دیدگاه ساختارگرا و پساساختارگرا با هم مقایسه شده اند (جدول ۱).

نشانه شناسی دانشی است که می‌توان از آن برای خوانش معماری بهره گرفت. چرا که معماری نیز مانند هر ابزار اجتماعی دیگر، سعی به ابلاغ پیام و برقراری ارتباط با مخاطبانش دارد. نشانه شناسی ساختارگرا، هر طرح معماری را دارای معنایی واحد و مشخص دانسته و مخاطب به کشف معای مورد نظر مؤلف و مورد پذیرش جامعه فرا میخواند. نشانه شناسی پساساختارگرا، معماری را مانند یک نوشتار دربردارنده معانی درونی و ضمنی و اندیشه‌های فرامتنی دانسته به طوری که مخاطب با طرحی

جدول ۱. مقایسه خوانش معماری در دو دیدگاه ساختارگرایی و پسا ساختارگرایی

شاخص های خوانش در نگرش ساختارگرا و پسا ساختارگرا	خوانش معماری از نگاه ساختارگرا	خوانش معماری از نگاه پسا ساختارگرا
ماهیت طرح معماری	ماهیت مطلق	ماهیت نسبی
نوع نگاه به طرح معماری	خوانش وضع موجود به دنبال ساحت حضوری طرح	خوانش به دنبال ساحت غیابی طرح
مالکیت طرح	مؤلف (معمار محور)	مخاطب (تأویل محور)
ساختار طرح	همنشینی سکانسهای متفاوت	همنشینی لایه های متفاوت
شکل و مکانیت طرح	خطی، ارتباط خطی عناصر، محدود به مکان	شبکه ای، عدم وابستگی به مکان
دریافت معنای طرح	وجود معنای واحد	وجود معنای سیال، بازی دالهای موجود
موضوعیت طرح	کارکردی و کاربردی	باز تولید و واسازی طرح
نگاه متن گون به طرح	متنیت ثابت	چندمتنی، فرامتنیت، بینامتنیت



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۵ زمستان ۹۵
No.45 winter 2016

۳۴۷

پی نوشت ها:

۱. Semiotics
 ۲. Art as a text for reading
 ۳. Charles sanders peirce
 ۴. Jost Trier
 ۵. رج به: فلامکی، محمد منصور، ۱۳۹۱، اصل ها و خوانش معماری ایرانی، نشر فضا، تهران، صفحه ۳۷۱.
 ۶. Noam chomsky
 ۷. Generative grammar
 ۸. رج به: (Agrest & Gandelson, ۱۹۹۵, ۴۲-۵۰)
 ۹. Roland Barthes
 ۱۰. Umberto ECO
 ۱۱. Structuralist semiotics
 ۱۲. Post structuralist semiotics
 ۱۳. Deconstruction
 ۱۴. رج به: (مهجوی نژاد، ۱۳۸۴، ۷۰)
- متن گون مواجهه شده و به معنا سازی و نشانه سازی برای آن می پردازد. بدین ترتیب مخاطب نه با متن واحد، بلکه با پدیده ای چند متنی مواجه شده و رمزگان موجود در متن، مخاطب را به ژرفای متن و کشف لایه های پنهان متن دعوت می کند. در واقع معماری همه به عنوان ماهیتی کارکردی و دارای لایه های سیستماتیک به دنبال پاسخگویی به نیازهای انسانی است و هم به عنوان ماهیتی فرامعماری و نمادین، چون هاله ای، محتوا و مفاهیمی را دربر گرفته است. طرح با بهره گیری از نشانه ها و رمزگان ها و بن مایه ها، چون دریچه ای مخاطب را به بازی نشانه ها برده و سعی در کشف معانی آن داشته و همواره در تلاش است تا با اتکا به اشارات مستقیم طرح، دلالت های غیر مستقیم، لایه های کارکردی، خصوصیات بازتاب و دگرگونی، به کشف لایه های جدیدی از معنا پردازد و به اصطلاح معماری را خوانش کند و این با رویکرد نشانه شناسی امکان پذیر می باشد.

ایزدی، نشر ثالث، تهران.

۶. چندلر، دانیل، (۱۳۸۷)، مبنای نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، انتشارات سوره مهر، تهران.

۷. دباغ و مختابادمرئی، امیر مسعود وسید مصطفی، (۱۳۹۰)، تأویل معماری پسامدرن از نظر نشانه‌شناسی، مجله علمی- پژوهشی هویت ۸. شهر، شماره ۹، ص ۵۹-۷۲، واحد علوم و تحقیقات تهران دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

۹. حقیقی، مانی، گزینش و ویرایش، (۱۳۷۴)، سرگشتگی نشانه‌ها، نشر مرکز، تهران.

۱۰. سجودی، فرزانه، (۱۳۸۷)، نشانه‌شناسی کاربردی، ویرایش دوم، نشر دوم، نشر علم، تهران.

۱۱. سجودی، فرزانه، (۱۳۸۸)، نشانه‌شناسی: نظریه و عمل، نشر علم، تهران.

۱۲. دوسوسور، فردینان، (۱۳۸۲)، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه کورش صفوی، نشر هرمس، تهران.

۱۳. سجودی، فرزانه، (۱۳۸۱)، نشانه و نشانه‌شناسی؛ بررسی تطبیقی آرای سوسو، پیرس، اکو، مجله زیبا شناخت، ص ۸۳-۱۰۰، معاونت امور هنری وزارت ارشاد اسلامی، تهران.

۱۴. ضیمران، محمد، (۱۳۸۲)، درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر، نشر قصه، تهران.

۱۵. ضیمران، محمد، (۱۳۷۹)، ژاک دریدا و متافیزیک حضور، نشر هرمس، تهران.

۱۶. صفوی، کوروش، (۱۳۸۳)، شکل‌گیری نشانه‌ها، مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.

۱۷. فلامکی، محمد منصور، (۱۳۹۱)، اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی، نشر فضا، تهران.

۱۸. کالینسن، دایانا، (۱۳۸۵)، تجربه زیبا‌شناختی، مجموعه مقالات زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر، ترجمه فریده فرودفر، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.

۱۹. گیرو، پی‌یر، (۱۳۸۷)، نشانه‌شناسی، ترجمه محمد نبوی، نشر آگاه، چاپ سوم، تهران.

۲۰. مهدوی نژاد و بمانیان و خاکسار، محمد جواد

۱۵. Codes

۱۶. Intra textuality

۱۷. Decoding

۱۸. Inter textuality

۱۹. Ferdinand de Saussure, زبان‌شناس سوئیس، (۱۸۵۷-۱۹۱۳)

۲۰. Signifier

۲۱. Signified

۲۲. Signification

۲۳. رج به: (ضیمران، ۱۳۸۲، ۴۲)

۲۴. Representamen

۲۵. Interpretant

۲۶. Objet

۲۷. Process of Semiosis

۲۸. رج به: (سجودی، ۱۳۸۱، ۹۶-۹۴)

۲۹. رج به: (Lukken & Searle, ۱۹۹۳, ۱۱)

۳۰. رج به: (فلامکی، ۱۳۹۱، ۳۸۳)

۳۱. رج به: (احمدی، ۱۳۸۰، ۱۸۷)

۳۲. رج به: (سجودی، ۱۳۸۷، ۱۱۵)

۳۳. رولان بارت ضمن توجه به درس‌های زبان‌شناسی سوسور، نظام نشانه‌ها را بیان‌کننده اندیشه‌های فرهنگی و ایدئولوژی دانست.

۳۴. Jacques Derrida

۳۵. Julia kristeva

۳۶. Hermeneutics

منابع و ماخذ

۱. آرنهایم، رودولف، (۱۳۸۲)، پویه‌شناسی صورمعماری، ترجمه مهرداد قیومی بید هنری، انتشارات سمت، تهران.

۲. احمدی، بابک، (۱۳۸۰ الف)، ساختار و تأویل متن، نشر مرکز، تهران.

۳. احمدی، بابک، (۱۳۸۰ ب)، از نشانه‌های تصویری تا متن، نشر مرکز، تهران.

۴. احمدی، بابک، (۱۳۸۰ ج)، ساختار و هرمنوتیک، گام نو، تهران.

۵. اکو، امبرتو، (۱۳۸۷)، نشانه‌شناسی، ترجمه پیروز

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۵ زمستان ۹۵
No.45 Winter 2016

۳۴۸

and London.

32.Walker, Paul, (1986), "Semiotics and the Discourse of Architecture", Thesis (Phd.Architecture), University of Auckland.

و محمد رضا و نداد، (۱۳۸۹)، هویت معماری، مجله هویت شهر سال پنجم شماره ۷،

۲۱ص-۱۱۳، علوم و تحقیقات تهران دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

۲۲.یوهانسن ولارسن، یورگن دنیس وسونداریک، (۱۳۸۷)، نشانه شناسی چیست؟، ترجمه علی میر عمادی، نشر ورجاوند، تهران.

23.Agrest & Gandelsonas, Diana & Mario, (1995), "Semiotics and Architecture", Princeton Architectural Press, New York.

24.Arnheim, Rudolf, (1975), "The Dynamics of Architectural form: Based on the 1975 Mary Duck Biddle Lectures at the Cooper Union", University of California Press, Berkeley.

25.Barthes, Roland, (1967), "Elements Semiology". Trans, A. Levers & C.Smith & Hill & Wang, New York.

26.Eco, Umberto, (1979), 'Function and Sign: The Semiotics of Architecture in Rethinking Architecture: A Reader in Cultural Theory', Ed. By Neil Leach, Routlege, London.

27.Johanson & Larsen, j. Dines s. Erik, (2002), "Signs In Use, An Introduction to Semiotics". Trans, DL. Gorlee & G.Irons, Routlege, London.

28.Kristeva, Julia, (1980), 'Desre Language: A Semiotic Aproach to Literature and Art' (New Yory;;Columbia University Press.

29.Martin & Ringham, Bromwen & Feliztas, (2000), "Dictionary of Semiotics", Cassell, London & New York.

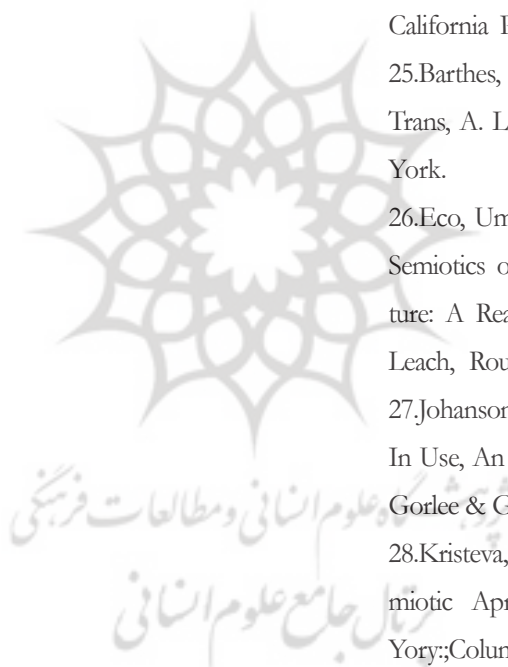
30.Peirce, Charles Sanders, (1931-58), "Coolected Writings" (8Vols.) (Ed. Charles Hartshorne, Paul Weiss & Arture W. Burks). Cambridge, MA: Harvard University Press.

31.Saussure, Ferdinand de, ([1916] 1983): "Course in General Linguistics" (trans. Roy Harris), Duckworth,

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۵ زمستان ۹۵
No.45 winter 2016

۳۴۹



گروه پژوهشی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مركز آمل جامع علوم انسانی



شپړو شگه علوم انساني و مطالعات فرېښکې
پرتال جامع علوم انساني

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۵ زمستان ۹۵
No.45 Winter 2016

■ ۳۵۰ ■